

## یادداشت



## اقتصاد ایران و منطق دوگانه امریکا



وحید شقاقی اقتصاددان

ایران همواره به دنبال حل مسائل و مشکلات اقتصادی از طریق مذاکره است. با این حال، کشورهای دیگر به گونه‌ای مسائل را پیش برده‌اند که پس از تحریم‌ها و محدودیت‌ها دعوت به مذاکره می‌کنند. به عبارت دیگر، در حالی موضوع مذاکره ایران و امریکا مطرح می‌شود که امریکا بیشترین اقدام را اعمال محدودیت‌های اقتصادی در نظر گرفته اما ادعا می‌کند که بدون پیش‌شرط حاضر به مذاکره است. در این شیوه آنها بزرگترین پیش‌شرط‌ها را به اقتصاد ایران تحمیل کرده‌اند اما حاضر به پذیرش هیچ پیش‌شرطی نیستند. در این بین، ایران ۳ ماه دیگر مهلت دارد تا برای عضویت در گروه ویژه اقدام مالی (FATF) اقدام‌های لازم را در دستور کار قرار دهد.

در هرج و مرج و آشفتگی اقتصاد ایران تا زمانی که وضعیت تحریم‌های بانکی مشخص نشود و شفافیتی در حوزه مسائل سیاسی و اقتصادی ایران ایجاد نشود، مضرات عضویت در FATF بیشتر از منافع آن است.

شهریور سال گذشته قانون «کاتسا» در امریکا تصویب شد. کاتسا قانونی است که با رأی قاطع کنگره و سنای ایالات متحده امریکا علیه ایران، روسیه و کره شمالی به تصویب رسید تا از طریق تحریم با آنچه اقدام‌های خطرناک و دشمنانه این کشورها در قبال امریکا و متحدانش خوانده شده است، مقابله کند. بر اساس این قانون، امریکا اعلام کرد که سپاه پاسداران از جمله گروه‌های تروریستی به شمار می‌رود. به عبارت دیگر، از نظر امریکا هر نوع کمک مالی جمهوری اسلامی ایران به سپاه پاسداران مصداق حمایت مالی از تروریسم است. روی دیگر موضوع اما به این شکل است که آیا امریکا می‌تواند بپذیرد کمک مالی به نیروهایش در عراق و افغانستان مصداق حمایت مالی از تروریسم است؟

موضوعی که امروز بین ایران و امریکا مطرح شده اختلاف در مفاهیم است و این موضوع‌ها باید برطرف شود تا بتوان دربارہ مسیر اقتصادی کشورها تعیین تکلیف کرد. از روز گذشته تحریم‌ها علیه نظام بانکی ایران آغاز شد و این موضوع مسیر اقتصادی ایران را با مشکلات جدی همراه می‌کند. هرچند که بر اساس رای دیوان بین‌المللی لاهه به دنبال شکایت ایران از امریکا، این کشور تا ۵ شهریور از اعمال هرگونه تحریم جدید منع شده‌است. در این بین امریکا مدعی است که بزرگترین نهاد دفاعی و نظامی ایران تروریستی است. به بیان دیگر، پیش‌شرط‌های بسیار عجیبی در مذاکره گذاشته شده و امریکا توقع دارد ایران بدون پیش‌شرط وارد مذاکره شود.

این منطق دوگانه امریکا امروز شرایط دنیا را تا حد زیادی با مشکل روبه‌رو کرده است. امریکا حتی در تحریم‌های جدید «دوربرگردان» را هم برداشته است. پیش از این قانون دوربرگردان در تحریم‌ها وجود داشت. دور برگردان این بود که مبادلات ایران باید به دلار تبدیل می‌شد و به ایران می‌آمد اکنون حتی ظرفیت این کار هم وجود ندارد. در این وضعیت پیوستن ایران به FATF ممکن است بر مشکلات اقتصادی و همکاری‌های بین‌المللی ایران بیفزاید و ابهام‌های بیشتری ایجاد کند. نظام بانکی امکان مبادلات مالی را از دست داده و هیچ‌کدام از بانک‌های بزرگ حاضر به مبادلات با ایران نخواهد بود. ایران قصد داشت به FATF بپیوندد که شفافیت بیشتری در اقتصاد ایجاد کند و نظام بانکی کشور ایمن شود. به عبارت دیگر، ایران قصد داشت شفافیت اقتصادی در حمایت نکردن از تروریسم را به نمایش بگذارد اما امریکا قصد دارد تعریف تروریسم را تغییر دهد. ایران با پیوستن به FATF می‌توانست ریسک اقتصادی و سرمایه‌گذاری را در کشور پایین آورد و شفافیت اقتصادی را بالا ببرد. شرایط کنونی کشور به گونه‌ای است که نیاز مبرم به گسترش همکاری‌های صنعتی، تولیدی و تجاری با دنیا داریم. FATF پیش از کاتسا یکی از ظرفیت‌های بزرگ برای این همکاری بود اما امریکا آن را به بحران تبدیل کرد.

با این حال، در شرایط فعلی با فشارهایی که امریکایی‌ها وارد می‌کنند، این سیاست در ایران اجرایی نمی‌شود. تحریم نظام بانکی ایران به گونه‌ای است که اگر بانک‌های دنیا با ایران وارد روابط اقتصادی شوند، امریکا آنها را از چرخه دلار حذف می‌کند.

درحال حاضر برای عضویت در FATF نباید عجله کرد. این موضوع باید موکول شود به بعد از توافق‌هایی که با اروپا انجام می‌شود. ابتدا باید وضعیت مبادلات ایران و امریکا مشخص و بعد بحث FATF دوباره مطرح شود.

اروپا ابتدا باید اعلام کند که حاضر است قفل مبادلات پولی را بشکند. در این صورت اروپا پذیرفته که حاضر است بدون پیش‌شرط موضوع را پیش ببرد. در آن زمان برای عضویت در FATF می‌توان اقدام کرد. ایران با پیوستن به FATF قصد دارد مبادلات بانکی و شیوه جذب سرمایه را در کشور تسهیل کند. اگر تحریم‌های امریکایی از بین نرود عضو بودن یا نبودن در FATF تفاوتی برای کشور ندارد. حال آنکه برای عضویت باید اقدام‌های بسیاری را در دستور کار قرار داد.

بر این اساس یکی از راه‌هایی که برای ایران باز مانده عضویت ناظر در FATF است. ایران می‌تواند از مهلت باقی‌مانده استفاده کند تا به طور ناظر در FATF حضور داشته باشد. این موضوع را باید در نظر داشت که عضویت در FATF نیاز به مجموعه‌ای از اقدامات دارد. می‌توان برخی از اقدامات را در زمان عضو ناظر بودن انجام داد تا تکلیف شرایط پیش‌روی اقتصاد ایران مشخص شود.

# اقتصاد و توسعه

محمود جامساز در گفت و گو با «گسترش صنت»:

# ایران قید اقتصاد دولتی را بزند، قدرت می‌گیرد



امیر مهرزاد

industry@sanatnewspaper.com

## گسترش صنعت» برای بررسی این محورها با محمود جامساز، تحلیلگر و فعال اقتصادی به گفت‌وگو نشست.

افزایش نرخ ارز در بازارهای غیررسمی، تحریم‌های پیش رو که احتمال دارد از طرف امریکا اعمال شود، مشکلات ساختارهای پولی و نظام بانکی، پیش‌بینی از آینده همکاری‌های مشترک ایران و کشورهای خارجی و آینده اقتصاد و صنایع ایران محور اصلی مشکلاتی است که در ماه‌های گذشته بر معیشت و شیوه اداره کشور سایه انداخته است.

«گسترش صنعت» برای بررسی این محورها با محمود جامساز، تحلیلگر و فعال اقتصادی به گفت‌وگو نشست. جامساز معتقد است اقتصاد ایران شفافیت کافی ندارد و در شرایط کنونی برگ برنده دولت باید اعتماد مردم به ساختار حاکمیتی کشور باشد. به گفته این تحلیلگر اقتصادی، اعتماد مردم در پی اختلاس‌ها و فساد برخی مدیران خدشه‌دار شده و دولت با شفاف‌سازی اقتصادی و مالی می‌تواند این اعتماد را به جامعه بازگرداند. او راهکار اعتمادسازی را با افشای علنی جزئیات پرونده متخلفان، بازگشت سرمایه از بین رفته به منابع کشور و عضویت ایران در گروه ویژه اقدام مالی می‌داند. در ادامه، مشروح گفت‌وگوی «گسترش صنعت» با محمود جامساز را می‌خوانید.

### پیش‌بینی شما از تحریم‌های امریکا و شرایط جدید اقتصادی ایران چیست؟

این موضوع اکنون مهم‌ترین مسئله‌ای است که بر تمام بخش‌های اقتصاد کشور تاثیر می‌گذارد. این تحریم‌ها در صورت اجرایی شدن، در ابتدا به ارز، فلزات گرانبها از جمله طلا و همچنین سایر فلزات مانند فولاد آلومینیوم صادرات فرش و دیگر محصولات صنایع خودرو و واردات نیازهای کشور اختصاص دارد. امریکا در نظر دارد پس از این تحریم‌ها صادرات نفت و گاز ایران را به حداقل برساند.

علاوه بر این، امریکا از تمام کشورهای دنیا خواسته که واردات نفت از ایران را تا ۴ نوامبر (۱۳ آبان) به سفر یا نزدیک صفر برسانند. امریکا حتی اعلام کرده که اگر کشوری نتوانست واردات نفت از ایران را متوقف کند باید با امریکا در ارتباط باشد تا فرصت بیشتری بگیرد. اکنون امریکا به دنبال کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران است تا بتواند ایران را از این درآمدها محروم کند.

### رفتار امریکا پس از روی کار آمدن دونالد ترامپ نشان می‌دهد که امریکا قصد دارد ایران را در منطقه به کشوری بی تاثیر و خنثی تبدیل کند. نظر شما در این باره چیست؟

معضل اصلی امریکا با ایران علاوه‌بر موضوع‌های امنیتی و هسته‌ای، نفوذ در منطقه است. حضور ایران در کشورهای مانند عراق، سوریه، لبنان و یمن باعث تشدید نگرانی‌های امریکا از تاثیرگذاری ایران بر منطقه شده است. افزایش قدرت ایران در منطقه باعث شده تاثیرگذاری امریکا کاهش یابد. اینتکه ترامپ اعلام کرده آماده مذاکره با ایران است نشان می‌دهد او می‌خواهد در منطقه نقش بیشتری داشته باشد. مذاکره به معنای این است که می‌خواهد نقش ایران را در منطقه کاهش دهد و برنامه هسته‌ای و موشک‌های بالستیک را به طور کامل متوقف کند. در این میان با اتخاذ سیاست‌ها و دیپلماسی هوشمندانه می‌توان سیاست‌هایی در نظر گرفت که نتواند نقش ایران را کاهش دهد اما ایران بتواند امتیازهای از دست رفته را به دست آورد. با برون‌رفت ترامپ از برجام، اروپا در یک وضعیت انفعالی قرار گرفت. ۳ رهبر کشورهای بزرگ اروپا با ترامپ درباره بازگشت به برجام صحبت کردند اما او حاضر نشد به برجام بازگردد.

### برخی از کارشناسان اقتصاد معتقدند ایران از دستاوردهای برجام نتوانست به طور کامل استفاده کند. فکر می‌کنید این بار در صورت به دست آوردن امتیازهای گذشته ظرفیتی برای این کار وجود داشته باشد؟

از زمانی که برجام در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد متأسفانه استفاده چندان از ظرفیت‌های آن نشد. پس از آن ترامپ روی کار آمد و با تمدید ۴ ماهه، این توافق رفته‌رفته کم‌رنگ شد. به عبارت دیگر، با اینکه ایران امتیازهایی داشت اما با گذر زمان قدرت این امتیازها کاهش یافت. ترامپ با تمدید ۴ ماهه برجام، این توافق هسته‌ای را تضعیف کرد. این موضوع تا حدی ادامه یافت که نتواند از برجام خارج شود. اگر ترامپ می‌توانست روز نخست از برجام خارج شود، نباید شک کرد که این کار را انجام می‌داد.

اروپا در این زمینه برای حفظ برجام تلاش کرد و سران کشورهای اروپایی تصمیم گرفتند که بانک‌های مرکزی آنها با بانک مرکزی ایران کار کنند. البته این

موضوع ابهام‌های بسیاری دارد و مشخص نیست که این کار شدنی باشد اما به هر حال مهم‌ترین تصمیمی است که اکنون اروپا سعی دارد برای حفظ ارتباط با ایران اتخاذ کند.

شرکت‌های بزرگی که در حوزه هواپیمایی، خودرو و نفت با ایران همکاری می‌کردند با بانک‌هایی مراودت و تبادل داشتند که آن بانک‌ها ارتباطشان را با ایران قطع کردند این موضوع باعث شد شرکت‌های بزرگ نتوانند در ایران بمانند. پس از این موضوع دیگر شرکت‌های بزرگ حاضر به همکاری با ایران نشدند و بانک‌ها نیز در این زمینه همکاری نکردند.

### آینده روابط بانکی ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا ایران شرایط عضویت در گروه ویژه اقدام مالی (FATF) را می‌پذیرد؟

پیش از این، بانک‌های اروپایی جریمه‌های سنگینی را برای همکاری با ایران پرداخت کرده‌اند. بانک بی‌ان بی پاربیاس فرانسه ۹ میلیارد دلار به دلیل همکاری با شرکت‌های ایرانی جریمه شد. چند بانک مشهور بین‌المللی دیگر نیز جریمه شدند و این بانک‌ها دیگر حاضر به خطرپذیری ارتباط با شرکت‌های ایرانی نیستند.

پس از جریمه ۹ میلیارد دلاری بانک بی‌ان بی پاربیاس فرانسه طبیعی است که بانک‌های کوچکتر هم از ترس چنین جریمه‌هایی حاضر به همکاری با ایران نباشند. به این دلیل اروپایی‌ها بحث بانک سرمایه‌گذاری اروپا را مطرح کردند. در زمینه همکاری ایران با بانک سرمایه‌گذاری اروپا دو مشکل مطرح است: نخست این بانک کاملا مستقل است و از هیچ یک از مقامات اتحادیه اروپا دستور نمی‌گیرد و دوم اینکه هر کدام از اعضای اتحادیه اروپا می‌توانند به دلایل آسیب‌پذیری جلوی همکاری بانک سرمایه‌گذاری اروپا با ایران را بگیرند.

مسئله اصلی امروز این است که اتحادیه اروپا می‌گوید ایران شفافیت بانکی ندارد. بعد از سال ۲۰۱۱ (۱۳۹۰ خورشیدی) وقایع سهولت‌های دو قلو مسئله تروریسم، جرایم سازمان‌یافته و پولشویی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. به دنبال حادثه ۱۱ سپتامبر که در پی آن برج‌های دو قلووی امریکا سقوط کرد، گروه ویژه اقدام مالی تشکیل شد. صندوق بین‌المللی پول این گروه را تشکیل داد. حدود یک ماه پیش این‌گروه ۴ ماهه به ایران پیشنهاد کرد که به پالرمو و کنوانسیون «عدم تامین مالی تروریسم» بپیوندد. در گام‌های نخست مجلس و دولت این‌ موضوع را پذیرفتند و جریان حاکمیت ایران به دنبال پذیرش شرایط گروه ویژه اقدام مالی است اما نیروهایی هستند که با این موضوع مخالفت کرده‌اند. هر چند هنوز تکلیف این موضوع به طور کامل مشخص نشده اما رفتار دوگانه در این زمینه شرایط را دشوارتر از قبل کرده است.

پس از این اختلاف‌نظر‌ها اروپا به این نتیجه می‌رسد که رفتار بین‌المللی ایران در مسائل اقتصادی و سیاسی رفتاری دوگانه است. در این شرایط اعتماد اروپا به ایران کم می‌شود و این موضوعی است که اکنون به صلاح کشور نیست. متأسفانه در برخی از موضوع‌ها اروپایی‌ها نمی‌دانند در داخل ایران با کدام‌یک از جریان‌های حاکمیتی روبه‌رو هستند. گاهی حرفی زده می‌شود و توافقی به نتیجه می‌رسد اما جریان دیگری در داخل ایران با آن اختلاف پیدا می‌کند و توافق با چالش روبه‌رو می‌شود. این موضوع بیش از هر اتفاق دیگری بر اعتماد شرکت‌های اروپایی تاثیر منفی دارد.

### یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های کنونی اقتصاد ایران نرخ غیر رسمی ارز و نرخ طلا است. این موضوع را در پی چه سیاستی می‌دانید و دولت با چه ساز کاری می‌تواند این نرخ‌ها را کاهش دهد؟

بانک مرکزی و مرکز ملی آمار در سال‌های گذشته برای اینکه سود بانکی را کاهش دهند استدلال کردند که چون تورم تکریمی شده باید از میزان سود سپرده‌ها در راستای کاستن از سود تسهیلات و کمک به تولید کاسته شود. بر این اساس، بهره سپرده‌ها از ۲۰ به ۱۵ درصد کاهش یافت اما تورم تکریمی با سبب معیشتی جامعه همخوانی نداشت. پس از کاهش سود بانکی مردم برای حفظ ارزش پول‌شان سپرده‌ها را از بانک‌ها خارج کردند. در نتیجه، این تصمیم بی مطالعه سپرده‌های خارج‌شده از بانک‌ها به بازارهای ارز، طلا و سکه وارد شد. بانک مرکزی و مرکز ملی آمار می‌دانستند تورمی که اعلام شده تورم سبب معیشت نیست و کالاهای مورد مصرف خانوار با سبب تعریف شده همپوشانی ندارد. با این حال، به ادراک جامعه از تورم عبور کردند و بهره بانکی را در زمانی نامناسب کاهش دادند.

طبیعی است که وقتی سود بانکی کاهش یابد سرمایه مردم از بانک‌ها خارج می‌شود. در کشورهای توسعه‌یافته این سرمایه به سمت بخش تولید یا خدمات‌سرازی



خود را از دست می‌دهند و در این شرایط نمی‌توان از شرکت‌های خارجی توقع سرمایه‌گذاری داشت. خطری که امروز اقتصاد کشور را تهدید می‌کند این است که پول نفت امروز به سختی وارد ایران شود. در زمان تحریم‌های قبلی ارز مورد نیاز از طریق عربستان امارات وارد ایران می‌شد. اکنون به دلیل مشکلاتی که بین ایران و عربستان وجود دارد، ارز از این کشور وارد ایران نمی‌شود. علاوه‌بر این، باید در نظر داشت که وارد کردن ارز با استفاده از شیوه‌های تحریمی حدود ۲۰ درصد از ارزش محموله را به خود اختصاص می‌دهد و این موضوع باعث می‌شود ارز کمتری وارد کشور شود. اگر قرار باشد روسیه نفت ایران را بخرد و به جای آن به ایران تجهیزات بدهد اقتصاد و تولید ایران آسیب می‌بیند. به عبارت دیگر، ایران به بازار دست‌دوم روسیه تبدیل می‌شود. این موضوع به هیچ وجه به نفع اقتصاد ایران نیست و مسئولان باید تلاش کنند تا با تمام دنیا بیشترین ارتباط را داشته باشند. اگر یک‌دوم از درآمدهای نفتی ایران صرف تامین زیرساخت در کشور می‌شد اکنون ایران بزرگترین قدرت خاورمیانه بود و هیچ کشوری توان مقابله با ایران را نداشت.

مگر قطر تحریم نشد؟ اتفاقی برای آن کشور رخ نداد، با برخی سیاست‌ها توانست اقتصاد خود را ادامه دهد. قطر توانست با سرمایه‌گذاری در امریکا و اروپا اقتصاد خود را نجات دهد اما متأسفانه این کار از طرف ایران انجام نشده است. پیش از تحریم‌ها می‌توانستیم در اروپا سرمایه‌گذاری کنیم و اجازه دهیم با اعمال تحریم از طرف امریکا، اروپایی‌ها برای ایران تصمیم بگیرند اما متأسفانه این سیاست‌ها عملی نشد.

### تغییر مدیریت در ساختار بانک مرکزی و طرح موضوع جوانگرایی نشان می‌دهد دولت این دو سیاست را در نظر گرفته تا بتواند با استفاده از متخصصان جوان و تغییر ساختار پولی و نظام بانکی مشکلات پیش رو را بردارد. این دو سیاست را مفید می‌دانید؟

این دو سیاست می‌تواند بسیار در پیشبرد کشور اهمیت داشته باشد اما لازمه آن اجرای درست جوانگرایی و اصلاح ساختار پولی و نظام بانکی است. پیش از اینکه رییس بانک مرکزی عوض شود عده‌ای می‌گفتند با تغییر رییس کل بانک مرکزی مشکلات برطرف می‌شود. اصلا این‌طور نیست. مشکل اصلی بانک مرکزی این است که استقلال ندارد. نبود استقلال در سیاست‌گذاری‌های بانک مرکزی باعث شده تا این مشکلات برای ساختار بانکی و نظام پولی کشور ایجاد شود. دولت اگر قصد دارد از بانک مرکزی حمایت کند و سیاست‌های آن را به بازدهی مناسب برساند باید استقلال را به بانک مرکزی بازگرداند. در یک ساختار ناکارآمد نمی‌توان ظرفیت اصلاح‌پذیری در آن ایجاد کرد. جوانگرایی هم اگر اصولی پیش نرود نمی‌تواند مشکلی از کشور برطرف کند. جوانانی که امروز این مدبران وزارتخانه باید نامی توانند برطرف کنند. جوانانی که امروز می‌آیند با توصیه افراد با نفوذ و صاحبان قدرت روی کار می‌آیند. صاحبان قدرت چه افرادی هستند؟ همان بازنئنگسانی که امروز گفته می‌شود باید از دولت خارج شوند. یک بازنئنگسته با استفاده از نفوذ و قدرت خود فرزندش را سر کار می‌آورد.

آیا اسم این کار را می‌توان جوانگرایی گذاشت؟ این فرزندان کارکردی جدا از پدران خود خواهند داشت؟ خیر. این‌طور نیست. بنابراین، جوانگرایی هم در کشور ما با چالش‌های جدی همراه است و دولت باید یک بار برای همیشه جلوی این رفتارها را بگیرد. مسئله امروز اقتصاد دولتی است. این اقتصاد باید از ریشه تغییر کند. اقتصاد دولتی فساد را پرورش می‌دهد و برای مفسدان انگیزه ایجاد می‌کند. در موضوع واردات خودرو دیده شد که برخی از مدیران وزارتخانه بودیوط بازداشت شدند.

اگر تخلف آنها احراز شود و دولت بخواهد به مردم ثابت کند که به فکر معیشت آنها است، باید پول تخلف و فساد را از آنها پس بگیرد. پیش از این در وزارت نفت هم شاهد چنین مشکلاتی بودیم. دولت باید موضوع را برای مردم شفاف کند. چرا پرونده مفسدان اقتصادی همیشه محرمانه است؟ میزان اختلاس یا تخلف برای مردم شفاف شود و دولت آن را پس بگیرد تا مردم به دولت اعتماد بیشتری پیدا کنند.

می‌شود. در ایران اما این‌طور نیست و سرمایه به سمت بازار ارز و طلا می‌رود. بر این اساس، دولت باید ارز به بازار تزریق می‌کرد تا با افزایش نرخ روبه‌رو نشویم. با این حال، دولت با کمبود اسکناس دلار روبه‌رو بود و نتوانست با تزریق ارز به بازار بهای ارز را کنترل کند. از این رو، با اعلام نرخ تثبیتی ۴۲۰۰ تومانی امنیتی کردن بازار ارز، نرخ بازار زیرزمینی و قاچاق به فراتر از ۱۱ هزار تومان هم صعود کرد و بهای سکه هم به طور ناپاورانه‌ای افزایش یافت. دولت تصور نمی‌کرد این جریان رخ دهد اما نباید فضای ارز در کشور امنیتی می‌شد. فضای امنیتی ارز، کمبود اسکناس دلار در کشور و کاهش سود بانکی باعث افزایش و جهش نرخ دلار و طلا شد. در بی‌گرانی‌ها نارضایتی طبقات متوسط، کارگران، کشاورزان و اقشار آسیب‌پذیر تشدید و به گونه‌های متفاوت نمایان شد.

### در هفته‌های گذشته شاهد بروز برخی تنش‌های مستقیم بین ایران و امریکا بودیم. این موضوع تا چه اندازه بر رشد قیمت‌های غیر رسمی ارز تاثیر داشت؟

پیام‌های غیرمسالمات‌آمیز بین ایران و امریکا باعث شد علاوه‌بر تنش‌های اقتصادی در ایران، برخی تنش‌های سیاسی در منطقه نیز ایجاد شود که البته این موضوع هم به افزایش نرخ ارز و بی‌ثباتی اقتصاد ایران دامن زد. علاوه‌بر این، اروپا و چین در این زمینه موضع‌گیری‌هایی کردند که نشان داد با رفتار سیاسی هر دو طرف مشکل دارند و این شیوه را مناسب روابط کشورهای منطقه و دنیا نمی‌دانند. البته باید اذعان داشت که رییس جمهوری پیش از تنش‌های کنونی اعلام کرد اگر ایران نتواند نفت بفرودش دلیلی ندارد که کشورهای منطقه بتوانند این کار را انجام دهند. متأسفانه از این‌حرف نیت‌خوانی شد و عده‌ای موضوع را دیگر گونه جلوه دادند. اگر رییس جمهوری قصد داشت درباره بستن تنگه هرمز سخنرانی کند، طبیعی بود که برای این کار از استعاره استفاده نکند و واضح بگوید. این نیت‌خوانی باعث شد اوضاع بیش از گذشته وخیم شود. باید در نظر داشت که حدود ۸۰ درصد نفت مورد نیاز چین از تنگه هرمز می‌گذرد و طرح این موضوع باعث شد چین هم ازار راحتی کند.

از طرف دیگر، ترامپ به دنبال این بود که در منطقه قدرت‌نمایی کند. بر این اساس، اعلام کرد نفتکش‌ها و کشتی‌هایی که پرچم امریکا را داشته باشند، می‌توانند از تنگه هرمز عبور کنند و کسی هم حق ندارد مانع آنها شود. هر چند که از ابتدا هم دولت قصد نداشت با عبور و مرور از تنگه هرمز کاری داشته باشد و دیگر گونه جلوه دادن آن حرف و تحقق این‌ ادعای ترامپ باعث شد قدرت ایران در منطقه کاهش یابد.

### بر این اساس، اقتصاد ایران را چطور ارزیابی می‌کنید؟ چه راهکاری برای بازگشت به شرایط گذشته وجود دارد؟

اقتصاد ایران به گونه‌ای است که یک موسسه اعتباری با ۶ میلیون تومان ثبت می‌شود و در طول ۵ سال می‌تواند ۱۳ هزار میلیارد تومان اختلاس کند. به نظر می‌رسد در شرایط کنونی بیش از آنکه نیاز داشته باشیم موضوع تنگه هرمز را مطرح کنیم باید فکری به حال اقتصاد کشور کنیم.

ناپسامانی‌های بازار ارز و طلا، توزیع رانتی ارز دولتی، واردات خودرو و ثبت سفارش در زمانی که سامانه ثبت سفارش بسته بود و بسیاری مشکلات دیگر امروز در کشور وجود دارد، نبود نظارت بر شیوه مبادلات و چندنرخ بودن ارز در ماه‌های گذشته انگیزه‌ای بسیار قوی برای رانت و فساد به وجود آورد. باید بپذیریم که فساد در کشور ما نظام‌مند شده است. این موضوع به دلیل نبود شفافیت اتفاق افتاده و این در شرایطی است که برخی مسئولان با عضویت ایران در کار گروه ویژه اقدام مالی مخالفت می‌کنند. این باعث می‌شود اعتماد بسیاری از کشورها و شرکت‌ها به ایران از بین برود. آنها از جزئیات شرایط اقتصادی کشور ما آگاه هستند و زمانی که مطلع می‌شوند برخی از مسئولان با شفافیت اقتصادی مشکل دارند، اعتماد